



منتخب: قولنامه (۴) (وابستگی متقابل تعهدات طرفین و بررسی تبعات آن)

حقوق :: نشریه قضاوت :: خرداد و تیر ۱۳۸۶ - شماره ۴۵

صفحات : از ۱۷ تا ۱۸

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/334408>

تاریخ دانلود : ۱۴۰۳/۱۱/۲۱

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



- الإثبات القضائي الإقرار حجة قاصرة
- ایقان وجدان قاضی مقایسه اجمالی نظامهای حقوق اسلام، ایران و فرانسه
- آثار حقوقی قولنامه
- الإثبات القضائي حجة الإقرار
- الإثبات القضائي عبء الإثبات
- الإثبات القضائي اتصال الإقرار بحكم القاضي
- شرایط و موانع اعمال قاعده ی تقلیل خسارت
- ماهیت حقوقی قولنامه و آثار آن
- بررسی لزوم قولنامه در فقه امامیه
- جایگاه قولنامه در فقه و حقوق موضوعه
- نظرة عامة في: أدلة الإثبات القضائي
- حکومت در ادله یا حاکمیت دلیلی بر دلیل دیگر

عناوین مشابه

- بررسی رابطه رفتار تولید جبرانی و وابستگی متقابل میان تولیدکنندگان و آزمون آن در بازار جهانی نفت
- درباره مقابله با شیوع ویروس کرونا (۸) بررسی آثار اقتصادی و پیشنهادهایی برای مدیریت تبعات آن
- بررسی ارتباط بین خشونت های خانوادگی و تبعات روانی آن با اختلال شخصیت مرزی و سوء مصرف الکل
- بررسی شیوع دردهای مزمن و فاکتورهای تاثیرگذار بر آن ۴ سال پس از آسیب تروماتیک طناب نخاعی ناشی از زلزله در بم
- حقوق و تعهدات طرفین قرارداد اجاره هواپیما در بیمه های هوایی: بررسی الحاقیه بیمه نامه AVN۶۷B
- بررسی رابطه متقابل میان متغیرهای عوامل برند، احساسات و عواطف و نیز عملکرد آن در خرید آنی
- بررسی ماهیت تعهدات پزشکی و جلوه های آن در پرتو مطالعه ی تطبیقی
- بررسی میزان تأثیر استفاده از اینترنت بر جریان صادرات (مطالعه تجربی ۸ کشور منتخب عضو اتحاد "آسه آن + ۳" و ایران)
- بررسی پدیده قاچاق انسان در قوانین ایران و حقوق بین الملل و تأثیر متقابل مهاجرت بر آن
- نقد و بررسی ماهیت حقوقی تهاتر و مقایسه آن با سایر طرق سقوط تعهدات مندرج در ماده ۲۶۴ قانون مدنی ایران

قسمت چهارم قولنامه

وابستگی متقابل تعهدات طرفین و بررسی تبعات آن

در ادامه مبحث قولنامه از سری دوستان جناب آقای دکتر کاشانی در این شماره نیز به وابستگی متقابل تعهدات طرفین و بررسی تبعات آن می پردازیم.

●●●

همان طور که گفتیم در قولنامه بین تعهدات طرفین یک وابستگی متقابل وجود دارد. نتیجه این وابستگی آن است که اگر یک طرف به تعهدات خود عمل نکرد نمی تواند دیگری را ملزم به اجرای تعهد خود بکند. مثلاً اگر خریداری اقساط خود را طبق تعهدات مندرج در قولنامه پرداخت نکرده باشد و اجرای تعهدات فروشنده را مطالبه کند در این صورت فروشنده می تواند به تخلف خریدار و ایراد عدم انجام تعهد استناد کند و نیازی به طرح دعوی و دادخواست ندارد. به این ترتیب دادگاه وارد رسیدگی به این بحث می شود که آیا خریداری که الزام فروشنده را به تنظیم سند یا تسلیم مبیع درخواست می کند، به تعهدات خود عمل کرده است یا خیر؟ معمولاً وقتی طرفین دعوی در دادگاه حضور دارند فروشنده ای که از تنظیم سند امتناع کرده است به تخلف خریدار استناد می کند و همین استناد به مفهوم ایراد تلقی می شود و استفاده از واژه ایراد ضرورتی ندارد. در اینجا قضیه از دو حالت خارج نیست: یا دادگاه ایراد را قبول می کند یعنی دعوی خریدار (خواهان) وارد می کند زیرا برخلاف عدالت و انصاف است و یا اینکه ایراد را قبول نمی کند به این معنا که خریدار تمام یا بخش عمده ای از ثمن را پرداخته است به گونه ای که بخش پرداخت شده در حدی است که بگوئیم قولنامه به مورد اجرا گذاشته شده است. به عبارت دیگر خریدار نقض اساسی در قرارداد نکرده است. در این صورت دادگاه فروشنده را ملزم به تنظیم سند می کند و در موردی که خریدار نسبت به پرداخت بخشی از اقساط ثمن تاخیر کرده باشد دادگاه علاوه بر الزام فروشنده به تنظیم سند، در مورد قسطهای پرداخت نشده خریدار نیز خسارت تاخیر تادیه تعیین می کند تا بخش پرداخت نشده ثمن نیز بلا تکلیف باقی نماند.

اگر خریدار پس از مهلت نیز از پرداخت ثمن امتناع کرد فروشنده باید در خواست فسخ را به دادگاه ارائه دهد و دادگاه ملزم است فوراً حکم به فسخ قولنامه صادر نماید.

نکته دوم آنکه مبلغی که خریدار باید هنگام تنظیم سند پرداخت کند باید دقیقاً در دادنامه ذکر شود و در صورت تاخیر خریدار باید علاوه بر تعیین رقم دقیق ثمن باقیمانده، پرداخت خسارت تاخیر تادیه هم از زمان تاخیر پس جینی شود.

فروشنده در یک شرایطی باید مجاز به فسخ قولنامه باشد. دعوی فسخ یک دعوای تضمینی تلقی می شود به

این معنا که وقتی قرارداد یا قولنامه به قوت خود باقی بماند و این به زیان فروشنده باشد وابستگی متقابل تعهدات فروشنده و خریدار از نظر عقلی انتضا می کند هنگامی که خریدار به تعهدات خود عمل نکرد فروشنده مجاز در فسخ قولنامه باشد. در قانون مدنی نص صریحی در این مورد وجود ندارد. ماده ۴۰۲ ق. م نیز اختیار فسخ فروشنده را در اختیار تاخیر ثمن پذیرفته است که در عموم قولنامه ها قابل اجرا نیست. پس باید دنبال یک مبنای حقوقی بگردیم که بر اساس آن فروشنده مجاز به طرح دعوی فسخ قولنامه باشد.

فسخ ضمنی در حقوق مدنی فرانسه پیش بینی شده است. ماده ۱۱۸۴ این قانون به طور کلی در قراردادهای می گوید در قراردادهایی که طرفین تعهداتی را به طور متقابل به عهده می گیرند وقتی یکی از طرفین به تعهد خود عمل نکند همیشه یک شرط فسخ ضمنی برای طرف مقابل وجود دارد حتی اگر این شرط در قرارداد تصریح نشده باشد. البته بند ۲ این ماده می گوید: در این مورد قرارداد خود به خود فسخ نمی شود بلکه طرفی که تعهد به سود او انجام نشده است اختیار دارد طرف مقابل را در صورت امکان به انجام تعهد اجبار کند یا درخواست فسخ قرارداد را همراه مطالبه ضرر و زیان ارائه کند. بند ۳ این ماده هم می افزاید: درخواست فسخ باید از دادگاه بشود. پس فروشنده نمی تواند خود به خود قرارداد را فسخ کند. دادگاه هم می تواند بر حسب اوضاع و احوال مهلتی برای پرداخت ثمن به خواننده دعوی (خریدار) بدهد. اما در ماده ۱۶۵۴ قانون مدنی فرانسه در باب عقد بیع یک ماده صریح وجود دارد که می گوید: اگر خریدار ثمن را پرداخت نکند فروشنده می تواند درخواست فسخ قرارداد بکند. اگر دادگاه این دعوی فسخ را پذیرفت و حکم به فسخ قرارداد داد نواضع به شرایط قبل از معامله بازمی گردد. یعنی فروشنده مالکیت مبیع را به دست می آورد و ناگزیر نیست مانند یک بستانکار عادی با دیگر بستانکاران خریدار وارد رقابت شود. البته در این مورد هم به دادگاه اختیار داده شده که به خریدار مهلت بدهد زیرا تا آنجا که ممکن است باید جلوی بطلان قرارداد را گرفت و این یک قاعده است که در سوابق فقهی ما نیز وجود دارد. اما اگر خریدار پس از مهلت نیز از پرداخت ثمن امتناع کرد فروشنده باید درخواست فسخ را به دادگاه ارائه دهد و دادگاه ملزم است فوراً حکم به فسخ قولنامه صادر نماید.

چند پرسش در رویه قضائی فرانسه مطرح شده که قابل بحث است: اول اینکه اگر در خود قولنامه پیش بینی شده باشد که عدم پرداخت تمام یا بخشی از اقساط ثمن خود به خود موجب فسخ قولنامه می شود، آیا چنین شرطی قابل قبول هست یا خیر؟ حقوق مدنی فرانسه این گونه شروط را پذیرفته است زیرا به هر حال رجوع به دادگاه اختیاری است که قانون به فروشنده داده و وقتی طرفین این تکلیف را استقاط کنند و در خود قولنامه

حق فسخ را بپذیرند فروشنده از رجوع به دادگاه معاف می شود.

سؤال دوم این است که اگر فروشنده انصراف خود را از حق فسخ در قولنامه پیش بینی کرده باشد آیا قابل قبول است؟ از آنجا که فسخ قولنامه به دلیل عدم پرداخت ثمن از قواعد مربوط به نظم عمومی است حقوق فرانسه چنین شرطی را قابل پذیرش نمی داند. در این زمینه رایبی از شعبه رسیدگی های فرجامی دیوان تمیز فرانسه در سال ۱۸۶۳ صادر شده است بدین شرح که: درج چنین شرطی تعارض آشکار با قواعد اساسی قرارداد اجاره و نیز اصل هر قراردادی دارد. استدلالی که پشت این رای نهفته آن است که قراردادهای متقابل ایجاد می کنند و اگر یک طرف که خود ناقض قرارداد تلقی می شود طرف دیگر را الزام به انجام قرارداد بکند تعادل به هم می خورد. اصل در قراردادهای این است که تعهدات نسبت به طرفین الزام آور هستند. حق فسخ مذکور به طور ذاتی برای فروشنده وجود دارد و در صورت فوت او به ورثه منتقل می شود. بنابراین اگر حق فسخ ایجاد شد و قبل از اعمال آن فروشنده فوت کرد، ورثه در صورت اجماع این حق فسخ را دارا می شوند. این قاعده ای است که در حقوق ایران نیز عملاً وجود دارد. البته این فسخ با فسخ قانون مدنی باب خیارات یکسان نیست. منظور از فسخ در اینجا آن است که قولنامه از روز انعقاد به هم می خورد و با معنا و مفهوم ابطال بیشتر تطبیق می کند تا بطلان؛ اما ما واژه فسخ را به کار می بریم زیرا اگر واژه ابطال را استفاده کنیم این شبهه به وجود می آید که این قولنامه از اصل باطل بوده است لذا از واژه فسخ استفاده می کنیم ولی می گوییم این فسخ اثر عطف به ماسبق دارد یعنی آثارش به روز انعقاد قولنامه برمی گردد. نتیجه اینکه اگر چنین حکمی صادر شد نه تنها مالکیت مبیع برای فروشنده اعاده می شود بلکه خریدار و وظیفه دارد ضرر و زیان فروشنده را نیز جبران کند.

در این ارتباط یک سلسله بحث های دیگر مطرح می شود از جمله اینکه اگر دادگاه حکم به فسخ قولنامه داد حکم ثمنی که خریدار پرداخت کرده، چیست؟ دادگاه باید فروشنده را ملزم کند رقم پیش پرداخت را به خریدار پس بدهد و در حقوق فرانسه این حکم باید با پرداخت بهره همراه باشد؛ یعنی بهره این پول باید از سوی فروشنده پرداخت شود. به علاوه ممکن است خریدار هزینه هایی در مبیع کرده باشد مثلاً در خانهای که قولنامه کرده تعمیرات ضروری انجام داده باشد دادگاه باید حکم پرداخت این هزینه ها را به نفع خریدار بدهد. اما اینکه اثر فسخ نسبت به اشخاص ثالث چگونه است؟ از آنجا که وضعیت فروشنده به قبل از قولنامه برمی گردد پس اگر خریدار، موضوع معامله را به دیگری اجاره داده باشد این اجاره باطل می شود زیرا معنای فسخ قولنامه آن است که خریدار اصلاً مالکیتی نسبت به آن مال نداشته باشد و این اجاره نافذ نیست. البته این مطلب به حقوق مدنی فرانسه منحصر نیست. در قانون بیع انگلستان که از سال ۱۹۸۰ به اجرا رسیده تصریح شده است که اگر خریدار ثمن را پرداخت نکرد فروشنده حق فسخ قرارداد را دارد.

یک کنوانسیون بین المللی فروش کالا وجود دارد که از طریق کمیسیون حقوق بازرگانی ملل متحد در سازمان ملل متحد تهیه شده و به کشورهای مختلف عرضه شده است و ۱۰۰ ماده در زمینه خرید و فروش کالا دارد که امیدواریم مورد قبول مجلس ایران هم قرار بگیرد زیرا در

این صورت دادگاه‌های داخلی موظفند طبق این کنوانسیون به این گونه دعوی رسیدگی کنند و در نتیجه خریداران و فروشنده ایرانی دیگر هزینه داوری نمی‌پردازند.

ماده ۶۴ این کنوانسیون در بند ۱ به فروشنده حق فسخ داده و می‌گوید: در صورتی که انجام نشدن هر یک از تعهدات خریدار به موجب قرارداد یا این کنوانسیون، نقض اساسی قرارداد محسوب شود فروشنده حق فسخ خواهد داشت. اساساً لازم نیست خریدار از پرداخت کل ثمن امتناع کند، در کنوانسیون‌های بین‌المللی یک واژه جدید وارد صحنه قراردادها و حقوق شده و آن اصطلاح «نقض اساسی یا بنیادی» است و این اختیار به دادگاه داده شده که اگر احراز کرد خریدار به گونه‌ای اساسی قولنامه را زیر پا گذاشته یا قرارداد را نقض کرده حکم به فسخ قرارداد بدهد ولو اینکه بخشی از ثمن پرداخت شده باشد.

ماده ۲۵ این کنوانسیون در تعریف نقض اساسی می‌گوید: «نقض قرارداد از سوی یکی از طرفین هنگامی اساسی است که منجر به ورود خسارت به طرف دیگر گردد و او را از آنچه به موجب قرارداد انتظار داشته محروم کند.» واژه «نقض اساسی» در مواردی که فروشنده درخواست فسخ قولنامه را کرده است مورد لحاظ دادگاه‌ها قرار می‌گیرد.

در قانون مدنی ما چنین تصریحی وجود ندارد ولی ماده ۲۱۹ قانون مدنی می‌گوید: «عقودی که طبق قانون واقع شده باشد بین متعاملین و قائم‌مقام قانونی آنها لازماً لاتباع است.» که نشان می‌دهد تعهدات هر دو طرف باید به مورد اجرا گذاشته شود. این الزام در انعقاد قرارداد توسط طرفین و در مرحله اجرا از سوی دادگاه رعایت می‌شود. یعنی اگر یک طرف از انجام تعهدات خود، خودداری کرد دادگاه به دیگری این حق را می‌دهد که از انجام تعهد خود معاف شود و این به معنای فسخ عقد بیع یا قولنامه است.

ماده ۲۳۷ قانون مدنی تا حدودی شبیه قانون مدنی فرانسه است و می‌گوید: «هرگاه شرط ضمن عقد شرط فعل باشد اثباتاً یا نفیاً کسی که ملزم به انجام شرط شده است باید آن را به جا بیاورد و در صورت تخلف طرف معامله می‌تواند به حاکم رجوع نموده تقاضای اجبار به وفاء شرط بنماید.» و این مشابه همان است که گفتیم فرد می‌تواند فسخ را از دادگاه بخواهد ولی دادگاه ابتدا از خریدار می‌خواهد نسبت به پرداخت ثمن اقدام کند. ماده ۲۳۹ قانون مدنی می‌گوید: «هرگاه اجبار مشروط‌علیه برای انجام فعل مشروط ممکن نباشد و فعل مشروط هم از جمله اعمالی نباشد که دیگری بتواند از جانب او واقع سازد طرف مقابل حق فسخ معامله را خواهد داشت.» پس با استفاده از روح این قانون می‌توان گفت وقتی یک طرف از انجام تعهداتش خودداری می‌کند طرف مقابل می‌تواند قولنامه را فسخ کند. به این ترتیب ما از طریق تفسیر موارد قانونی موجود می‌توانیم راه‌حلی برای ایجاد تعادل و حق فسخ برای طرف مقابل به دست بیاوریم.

سوال: آیا قضاات می‌توانند به روح قانون متوسل شوند؟

جواب - ماده ۳ آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۱۸ صریحاً قضاات را مکلف کرده بود در صورت سکوت یا ابهام قانون، به روح قانون متوسل شوند و این تکلیف در مقام نظام‌های حقوقی برای قضاات وجود دارد اما در

اصلاحیه قانون آیین دادرسی مدنی در سال ۱۳۷۹ روح قانون را از ماده ۳ موجود حذف کردند و گفتند قاضی باید به فتوای معتبر رجوع کند. اما به نظر بنده روح قانون حذف شدنی نیست یک قانون زنده روحش نیز مثل جسمش اعتبار دارد.

ما یک سلسله تفاسیر داریم که برای قاضی گریز ناپذیر است مثل وحدت ملاک، قیاس، عام و خاص و نیز اصولی داریم که در حقیقت روش‌های تفسیر قانون هستند و هر قاضی باید در دادگاه از آنها استفاده کند. از آنجا که اجتهاد، شرط قاضی است پس قضاات مکلفند از روح قانون استفاده کنند و نمونه آن هم در ماده ۲۱۹ قانون مدنی اشاره شد.

سوال: برای مفهوم نظم عمومی و روح قانون نمی‌توان چارچوب خاصی در نظر گرفت، از آنجا که می‌دانیم قوانین موضوعه باید منطبق با قانون اساسی باشند آیا به این اعتبار نمی‌توان گفت قانون اساسی روح قانون است و باید به آن رجوع کرد؟

جواب - خیر هر قانونی مثل قانون مدنی روح خودش را دارد که باید به همان مراجعه نمود.

سوال: در فقه ۴ مبنا برای فسخ معامله مطرح است. حال تخلف طرفین از مندرجات قولنامه که از مقوله تخلف در وصف و تخلف در اهلیت نیست و بنا بر دلایل و موانعی که پیش آمده مطرح شده پس آیا به هر دلیلی می‌شود معامله را فسخ کرد؟

جواب - از آنچه در مباحث فقهی ما وجود دارد بخشی در قانون مدنی نیز وجود دارد مانند تخلف از وصف که با عنوان شرط صفت در قانون مطرح شده است بدین معنا که اگر مورد معامله فاقد آن وصف بود مشروط له حق فسخ دارد. در مورد اهلیت هم قانون عدم اهلیت را در بسیاری موارد موجب بطلان معامله می‌داند مانند معاملات صغیر و مجنون که قرارداد از اصل باطل محسوب می‌شود. اما در قولنامه بحث بطلان نداریم زیرا قراردادی است که طرفین با رضا و بدون اجراه پذیرفته‌اند و در مرحله انعقاد، صحیح و معتبر است. فسخ کاشف از بطلان نیست و هیچ‌کس نمی‌تواند ادعا کند این قولنامه از اساس باطل است زیرا حق فسخ در ذات قرارداد وجود نداشته است.

سوال: اگر طبق ماده ۲۱۹ لزوم عقد را برای هر دو طرف بدانیم نهایتاً تخلف یکی از طرفین باعث جواز تخلف طرف مقابل می‌شود. لزوم عقد حکم قانون و تخلف، فعل مادی طرف قرارداد است و لذا تخلف سلب لزوم نیست. آیا بهتر نیست از منافع کمکی استفاده کرده و شروط و تعهداتی را به قرارداد اضافه کنیم به جای اینکه دنبال حکم کلی در قانون بگردیم؟

جواب - اگر به ماده ۱۱۸۴ قانون مدنی فرانسه دقت کنیم می‌بینیم این یک بحث عقلی است یعنی اگر در قانون حق فسخ برای تخلف از قرارداد ذکر نشده بود شما می‌توانید با عقل و استنباط این قاعده را به کار ببرید زیرا قاضی مقید به قرارداد است و نمی‌تواند شرط جدیدی به قولنامه اضافه کند. فروشنده میباید به قید پرداخت ثمن به خریدار تسلیم می‌کند حال اگر خریداری پول نداشت نمی‌توان او را الزام به پرداخت ثمن کرد و فروشنده را منتظر نگه داشت، اینجا چاره‌ای نیست جز اینکه حق فسخ را مفروض بدانیم و از ماده ۲۱۹ استنباط کنیم. این راحت‌ترین و عادلانه‌ترین راهی است که قوانین اکثر

کشورها در اختیار فروشنده گذاشته‌اند.

سوال: تنظیم قولنامه نه تنها مخالف نظم عمومی یا قوانین آمره نیست بلکه خود ایجادکننده نظم و تنظیم کننده روابط افراد است. ایرادات در آیین دادرسی احصا شده و محدود هستند مثل ایراد عدم صلاحیت، ایراد عدم توجه دعوی و... ایراد به الزام تنظیم سند که شما به عنوان ایراد عدم انجام تعهد مطرح نمودید. حال به نظر من پذیرفتن ایراد عدم انجام تعهد مشکلاتی را در محاکم به وجود می‌آورد از جمله اینکه دادگاه باید حکم خود را مقید به مهلت و مدت کند یا خریدار تا چه مدت باید مبلغ را پرداخت نماید. از طرف دیگر مخالف نص صریح قانون هم هست زیرا طبق قانون دادگاه‌ها مکلف هستند طبق دادخواست حکم صادر کنند و اگر بدون تقدیم دادخواست از ناحیه فروشنده به نفع او احقاق حق یا راهنمایی کنند خلاف قانون است. اگر در دعوی فروشنده به ایراد عدم انجام تعهد استناد کند و خریدار اعلام کند که ثمن را به صورت سند تجاری و چک پرداخت کرده‌ام وضع چگونه است؟

در حقوق تجارت فرانسه تصریح شده صدور چک و پذیرش آن به معنای تبدیل تعهد نیست. زیرا چک یک دستور پرداخت است و اگر بی‌محل بود، فروشنده بر حق خود باقی است و می‌تواند به تخلف خریدار استناد کند و خود را از انجام تعهد متقابل معاف بداند یا دعوی فسخ مطرح کند.

جواب - ایراد عدم انجام تعهد یک ایراد شکلی نیست و برعکس ایراد صلاحیت و مرور زمان و... یک ایراد دفاعی و مربوط به ماهیت دعواست. این ایراد در دوران حقوق رم وجود داشته، در حقوق قدیم فرانسه وجود داشته و هم‌اکنون نیز وجود دارد و به عنوان یک ایراد عقلی تلقی شده است که اگر یک طرف به تعهد خود عمل نکرد نباید از طرف دیگر انتظار انجام تعهد داشته باشیم. استفاده واژه ایراد هم ضرورت ندارد همین اندازه که فروشنده می‌گوید خریدار به تعهدات خود عمل نکرده است همان ایراد عدم انجام تعهد است و لذا قاضی به دنبال تحصیل دلیل نیست و نمی‌خواهد به نفع یک طرف وارد صحنه شود بلکه نفس دفاع طرف مقابل مجوز قضاات برای ورود به این مطلب است اما در موردی که خریدار چک می‌دهد اگر چک بی‌محل بود نفس صدور چک به معنی تبدیل تعهد نیست از نایب تبدیل تعهد آن است که اگر تعهد قبلی حق فسخ داشته به تعهد جدید تعلق نمی‌گیرد پس اگر چک را تبدیل تعهد تلقی کنیم رابطه فروشنده با قرارداد قطع می‌شود. در حقوق تجارت فرانسه تصریح شده است صدور چک و پذیرش آن به معنای تبدیل تعهد نیست. زیرا چک یک دستور پرداخت است و اگر بی‌محل بود، فروشنده بر حق خود باقی است و می‌تواند به تخلف خریدار استناد کند و خود را از انجام تعهد متقابل معاف بداند یا دعوی فسخ مطرح کند. پس صدور اسناد تجاری در این موارد هیچ دگرگونی در اوضاع و احوال به وجود نمی‌آورد.

ادامه دارد